

۱۱ آزمون برای شناخت دیگران

میشل و فرانسواز گوکلن

ترجمه ساعد زمان



گوکلن، میشل، ۱۹۲۸ -
۱۱ [بازده] آزمون برای شناخت دیگران / میشل و فرانسواز گوکلن؛ ترجمه ساعد زمان. -
تهران: قنوس، ۱۳۷۷.
ISBN 978-964-311-151-9 ۲۰۹ ص: مصور، جدول، نمودار.
فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرستتویسی پیش از انتشار)
عنوان روی جلد: ۱۱ آزمون برای شناخت دیگران: تستهایی برای درک خصوصیت‌های
شخصی، استعدادها، و قابلیت‌های دیگران، چگونه می‌توانیم در زندگی شغلی و خصوصی
خود، ارتباطی بسیار عالی با دیگران داشته باشیم.
عنوان اصلی: 11 [onze] tests pour connaitre les autres.
چاپ اول این کتاب تحت عنوان ۱۱۵ [بازده] تست برای شناخت دیگران، در سال ۱۳۷۴
منتشر شده است.
کتاب حاضر ترجمه‌ای است از کتاب 15 [Quinze] tests pour connaitre les autres
که ۴ تست آن حذف شده است.
۱. آزمونهای شخصیت. ۲. شخصیت سنجی. ۳. فیانه‌شناسی. الف. گوکلن، فرانسواز
Gauquelin, Françoise ب. زمان، ساعد، ۱۳۳۲-۱۳۷۳، مترجم. ج. عنوان. د. عنوان. ۱۱
[بازده] تست برای شناخت دیگران.
۲ ی. گ/۵/۶۹۸ BF
۱۳۷۷
کتابخانه ملی ایران
۷۷.۲۷۶۷ م

انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

میشل و فرانسواز گوکلن

۱۱ آزمون برای شناخت دیگران

ترجمه ساعد زمان

چاپ هفتم

۱۵۰۰ نسخه

۱۳۸۸

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹ - ۱۵۱ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 151 - 9

info@qoqnoos.ir

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۳۰۰۰ تومان

فهرست

| | |
|-----|-------------------------------------|
| ۱ | مقدمه |
| ۱۰ | ۱- ذهن مبتکر |
| ۱۷ | ۲- توانایی مشاهده |
| ۲۳ | ۳- انواع حافظه |
| ۳۵ | ۴- مفهوم اعداد |
| ۴۳ | ۵- مشاهده سه بعدی |
| ۵۰ | ۶- ذهن عقلایی |
| ۶۳ | پاسخ تستهای ۱-۶ |
| ۷۹ | تجزیه و تحلیل پاسخها |
| ۹۴ | ۷- استعدادها و انگیزه‌ها |
| ۱۰۴ | ۸- تصاویر مبهم و رموز |
| ۱۲۳ | ۹- خطوط چهره |
| ۱۴۹ | ۱۰- بدن شما چه می‌گوید |
| ۱۷۷ | ۱۱- پرسشنامه گاستون برژه |
| ۲۰۴ | آزمونهای ۱۱-۷: تجزیه و تحلیل پاسخها |

مقدمه

طبیعت انسان، مفهومی بسیار پیچیده دارد. در هیاهوی واکنشهای متضاد، تحولات گوناگون رفتاری، و تغییرات لحظه‌ای خلق و خوی و روحیات، که در اطرافیان خود مشاهده می‌کنیم، چگونه می‌توان یک روند رفتاری مشخص را جستجو و کشف کرد؟ چگونه می‌توان با دیگران به شکل شایسته و مناسبی ارتباط برقرار کرد؟ به خاطر داشته باشید که یک شوخی کوچک یا حرکت بیهوده، می‌تواند سبب مجادله‌های بی‌ارزش و نهایتاً موجب رنجش شود که به راحتی می‌توان از آن جلوگیری کرد.

این مشکلات روزمره را، روان‌شناسان بسیاری مورد بررسی قرار داده‌اند. نظریه عمومی آنان بر این است که در یک شرایط مشخص، امکان دارد چندین واکنش متنوع از شخص سر بزنند. رفتاری که ما در پیش می‌گیریم، در صورتی که آن را نسبت به واکنشهای دیگر آگاهانه انتخاب کرده باشیم، دیگر حالت تصادفی ندارد. در واقع، شخصیت ما، نقش هدایت‌کننده دارد و ما هرگز در انتخابهای خود به طور کامل آزاد نیستیم.

«شخصیت، مجموعه‌ای از عاداتها را شکل می‌دهد».

بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود که شخصیت چیست؟ تعریف این اصطلاح پایه‌ای در روان‌شناسی، به خاطر عوامل گوناگونی که باید مورد توجه قرار بگیرد، کار آسانی نیست، زیرا هر یک از عناصری که در تشکیلات وجودی ما نقش دارد (از حالت نطفه بارور شده تا زمان مرگ) در این مورد وظیفه‌ای به عهده دارد. به نظر می‌رسد در این

مجموعه، مهمترین نقش، بر عهده «صندوقچه ژنتیک» است.

شخصیت ما به مسائل ارثی بستگی زیادی دارد و بخش مهمی از آن نیز به محیط اجتماعی مربوط می شود که در بطن آن پرورش یافته ایم. بسیاری از شرایط بیرونی نیز بر شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های مادرزادی ما، تأثیر مثبت و یا منفی دارد. بطور خلاصه، مجموعه عواملی که رشد جسمی و روحی ما را احاطه کرده است، به ما شخصیتی می بخشد که واکنشها و رفتارهایمان را در زندگی، برحسب یک روند رفتاری (که تنها در محدوده‌های خیلی کوچکی دچار تغییر می شود) تعیین می کند. برخی از شخصیتها، در اکثر اوقات، و بدون نگرانی از دشواریها، عادت به «حمله ورشدن» دارد، و گروهی دیگر، ترجیح می دهند در برابر موانع و مشکلات، با ملایمت واکنش نشان دهند. هر یک از ما، عاداتی خاصی داریم که در برخی شرایط ما را در انتخاب هدایت می کند.

شخصیت، دارای تواناییهای گوناگونی است. برای این که بتوان با دیگری، روابط مناسبی برقرار کرد، به طور معمول شناخت رفتار و واکنشهای او، بسیار سودمند است. اما متأسفانه، تلقی درست از واکنش دیگران حتی در مورد افرادی که آنها را بهتر از بقیه می شناسیم، به ندرت اتفاق می افتد.

به عنوان مثال ما می دانیم که بهتر است فلان جمله را در شرایطی خاص، به کار نبریم. اما در شرایط گوناگون با احتیاط کردن بیش از حد درباره رعایت یک موضوع و یا نادیده گرفتن سایر جنبه‌های متنوع شخصیت طرف مقابل، دچار مشکل می شویم.

شاید به خاطر آسایش طلبی زیاد، دوست داشته باشیم مسائل را برای خود بیش از حد ساده کنیم. مثلاً در جمع خانواده، مدام تکرار می کنیم که «فلانی آدم محتاطی است»، یا «دیگری بیش از حد بی احتیاط است» و به خاطر بروز این تضاد که ممکن است صرفاً در همان محیطهای خانوادگی واقعیت داشته باشد، فراموش می کنیم که کسی را که به عنوان یک بی احتیاط معرفی می کنیم، شاید نسبت به افراد بی احتیاط، آنقدرها جسور نباشد؛ یا دیگری آنقدرها محتاط نباشد. به هر حال، تغییر محیط زندگی می تواند این گونه افراد را وادار سازد که رفتاری کاملاً متفاوت در پیش گیرند. در واقع، نظریه‌های کلاسیک و تحمیلی ما توانایی و قابلیت‌های این افراد را محدود می کند.

به این ترتیب ما غالباً خیلی زود و شتابزده، و برحسب شناخت بسیار ضعیف از شخصیت اطرافیان خود، در مورد آنها قضاوت می‌کنیم. بنابراین، تقویت و گسترش دیدگاهها دربارهٔ دیگران بسیار با اهمیت است و باید در مورد دیگران به گونه‌ای قضاوت کنیم که تمام توانایی و قابلیت‌های آنها در نظر گرفته شود.

در ارتباط با بررسی جزئیات شخصیتی افراد همیشه تردیدهایی وجود دارد. آنچه که یک مبتدی را در بررسی شخصیتها به گمراهی می‌کشاند، این است که شخصیت قابل اندازه‌گیری نیست و نمی‌توان آن را با شکلی ثابت سنجید. در روان‌شناسی شخصیت، ابعاد موجود، هیچ‌گاه مانند یک معادلهٔ ریاضی عمل نمی‌کند، بلکه براساس محاسبهٔ احتمالات، پایه‌ریزی شده است.

مشاهده، و بررسی تعداد زیادی از واکنشهای یک نوع خاص شخصیت، به شما امکان می‌دهد تا با در نظر گرفتن احتمالات، پیشگویی‌هایی در این باره انجام دهید. مثلاً یک فرد، در شرایطی ویژه، با واکنشهایی که معمولاً از او مشاهده می‌شود، به فلان شکل خاص، از خویش واکنش نشان می‌دهد. در این زمینه، هیچ چیز مطلقاً وجود ندارد و همیشه، واکنشها و رفتارهای نامشخص و مبهمی مشاهده می‌شود. یک روان‌شناس، به‌خوبی می‌داند که همواره، باید این تردید و احتمال اشتباه را در نظر داشته باشد، اما قطعاً، این آگاهی سبب جلوگیری از انجام یک بررسی مناسب در مورد رفتارهایی که یک نفر در اکثر شرایط از خود نشان می‌دهد، نخواهد شد.

طبیعت شخصی و هوش

به نظر کارشناسان، شخصیت را می‌توان از دو جنبهٔ مکمل یکدیگر، که در عین حال به‌راحتی می‌توان آنها را از هم جدا ساخت، مورد بررسی قرار داد. این دو جنبه عبارت است از: طبیعت شخصی، و هوش.

در بحثهای معمول، تقسیم‌بندی شخصیت به این دو عامل مجزا، به خاطر کاربرد آن مورد تأیید است. همهٔ ما، در گفتگوهای روزمرهٔ خود، اغلب چنین تعاریفی را به کار می‌بریم: «فلانی خیلی باهوش است»، یا «او واقعاً کم‌هوش است» یا گاهی می‌گوییم:

«فلانی دارای سرشت خوبی است، یا او طبیعت خوبی نداشته و این کار را بدون این که دو عامل یاد شده را به هم مرتبط بدانیم، انجام می‌دهیم.

از سوی دیگر، تمایز بین این دو عامل شخصیتی، دارای پایه‌های فیزیولوژیکی نیز هست. گفته می‌شود طبیعت شخصی انسان، قبل از هر چیز، به مناطق داخلی مغز (پالئوآنسفال) و هوش، به لایه‌های بیرونی آن (نئوکورتکس) بستگی دارد.

کتاب حاضر، این تقسیم‌بندی را رعایت کرده و در اولین بخش، شخصیت‌های گوناگون را از دیدگاه هوشی، و در بخش دوم، از دیدگاه خلق و خو، و طبیعت شخصی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد.

در مقابل، باید خود را از دست یک پیشداوری بسیار رایج رها سازیم. همه ما عادت داریم که درباره طبیعت و منش، یا هوش، یا اصطلاحاتی نظیر خوب یا بد، عالی یا ضعیف قضاوت کنیم. اما قطعاً چنین قضاوتی، نمی‌تواند هیچ‌گونه ارتباطی با واقعیت داشته باشد. آنچه که این کتاب، قصد دارد به شما ارائه کند، قضاوت درباره خوب یا بد بودن طبیعت، یا زیاد و کم بودن هوش افرادی که در اطراف شما هستند نیست، زیرا هر شخصیتی، دارای جنبه‌های مثبت و منفی خود است.

فرض کنید انرژی فراوان یک نوع شخصیت خاص، می‌تواند در شرایطی که حالت فرمانبرداری ضرورت پیدا می‌کند، به نظر غیرقابل تحمل آید، و در هنگام رویارویی با مشکلات سخت، قابل تحسین باشد. نکته مهم، این است که قبل از هر چیز، متوجه شویم که همه شخصیتها، سرشار از قابلیت‌های گوناگون و متنوع است، و سپس یاد بگیریم که چگونه در میان این قابلیتها، وضعیت حاکم در هر انسان را بیابیم. اشتباه نکنید، کشف این وضعیت حاکم، برای قضاوت ارزشی محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای تعیین هویت، درک بهتر شخص مقابل، و همچنین شناخت نکاتی که ما غالباً از درک مناسب آن ناتوان هستیم مطرح است.

«مراقب باشید: بیش از حد تند نروید».

پرسشنامه‌های گوناگونی که به شکل تست در فصول مختلف این کتاب آمده است، چشم‌اندازی از روشهای مختلف را فراهم می‌کند که بررسی شیوه‌های رفتاری هر انسان را

امکانپذیر می‌سازد. روشهای موجود در این کتاب، مثالهای متعدد و جدولهای آن توضیحاتی را به همراه دارد که به شما امکان می‌دهد آن را به نحو مؤثری به کار بندید (حتی بدون آن که دوره‌های روان‌شناسی را گذرانده باشید). با این وجود، همچنان که قبلاً هم تذکر دادیم، این روش از پیچیدگی خاصی برخوردار است. به همین دلیل، نباید توضیحات ارائه‌شده را برای این که سریعتر به قسمتهای عملی و کاربردی کتاب برسید، نادیده بگیرید، در این صورت دچار مشکل می‌شوید. پرسشنامه‌ها، حساس و دقیق است و نیاز به قدرت تطبیق، با انگیزه‌های واقعی دارد.

در این قسمت، با چگونگی عمل و پیشرفت کار، آشنا می‌شوید:

۱- در وهله اول، توضیحات ابتدایی را با دقت و توجه کافی (ترجیحاً، هنگامی که قصد دارید شخصی را تحت آزمایش قرار دهید) مطالعه کنید.

۲- در ادامه کار، بخش دیگری را که بیشتر مختص سوژه مورد نظرتان است، با صدای بلند بخوانید. یا از فرد بخواهید که خودش با دقت آن را بخواند (قبل از پاسخگویی به تست) در این بخش، فرد با کارهایی که باید انجام دهد، آشنا می‌شود. توجه داشته باشید که برخی از این پاسخها، باید در چارچوب محدود و تعیین‌شده‌ای انجام شود. در این صورت، باید در مدت یک ساعت، زمان پاسخگویی فرد را کنترل کنید.

۳- در تستهای مربوط به قابلیتها، نمونه‌هایی از کاربرد نیز مطرح شده که به فرد اجازه می‌دهد قبل از شروع آزمون، تمرینی در این مورد داشته باشد. این مثالها را همراه با او بررسی کنید و در صورت درخواست، توضیحات لازم را در اختیار او قرار دهید.

۴- و سرانجام، شخص مورد نظر شما (سوژه) پاسخگویی به تستها را شروع می‌کند. در کار او دخالت نکنید. در این مرحله، دیگر نباید به او کمک کنید. بدون هیچ‌گونه واکنشی، ساکت بمانید و فقط اگر در اوایل کار، به خاطر بی‌حوصلگی مایوس شد و قصد رهاکردن آن را داشت، او را کمی تشویق کنید.

«اگر فرد مایوس شد، با ملایمت او را به ادامه کار دلگرم کنید.»

در قسمت اول کتاب، غالباً این احتمال وجود دارد که شخص از ادامه کار دلسرد شود. زیرا در این قسمت، بدون آن که در میان پاسخهای مختلف، موردی به او پیشنهاد

شود، فقط یک پاسخ وجود دارد که او باید آن را کشف کند. قطعاً، سوژه در پاسخگویی به برخی از پرسشها، به موانعی برمی خورد که ممکن است این حالت را به عنوان نوعی ضعف در خود تلقی کند.

در چنین حالتی، باید به او اطمینان بدهید و بگویید که این تستها، به دلیل آشکارکردن قابلیت‌های شخصی، باید چنین پیچیدگیهایی در خود داشته باشد (حتی اگر اشخاصی که به آن پاسخ می دهند، خیلی کارآزموده باشند). البته به ندرت اتفاق می افتد که کسی بتواند حداکثر امتیاز را در تمام سؤالهای مطرح شده به دست آورد.

نکته مهم: با بررسی پرسشنامه‌ها باید متوجه شویم سوژه ما، در چه زمینه‌ای با دیگران تفاوت دارد. قطعاً، اگر او در یکی از آزمایشها، حد نصاب متوسط یا ضعیفی را به دست بیاورد، چه بسا در برخی دیگر از پرسشنامه‌ها، بتواند به نتایج قابل توجهی دست یابد. تنوع زیاد جنبه‌های هوشی در بخش اول کتاب، نه تنها به هر کس این امکان را می دهد که زمینه برتری خود را بیابد، بلکه این شرایط را نیز برای او فراهم می سازد که نقاط ضعف خویش را بشناسد. باید این را پذیرفت که انسانها در زمینه بهره هوشی نیز، مانند زمینه طبیعت شخصی، در همه موارد، نه کامل هستند، و نه ضعیف. هر کس، خصایص خاص خویش را دارد، و همین اصل باعث می شود تا هر انسان، یک موجود منحصر به فرد باشد.

در بخش دوم کتاب، پاسخ «درست» یا «غلط» وجود ندارد. در این بخش، فردگرایش یا نظر شخصی خود را نسبت به سؤالهای مطرح شده بیان می کند. اما تجزیه و تحلیل استاندارد پاسخها، به ابتکار فرد متکی نخواهد بود، بلکه یک سری پاسخهای احتمالی وجود دارد که او می تواند یکی از آنها را انتخاب کند. برخی افراد، به خاطر وجود چنین محدودیتی، کمی دچار ناراحتی می شوند، و می گویند که از میان پاسخهای پیشنهادی، نمی توانند مورد دلخواهشان را بیابند. در این صورت، نباید با چنین رفتاری، مبارزه مستقیم انجام دهید، زیرا این امر، ناشی از نوعی وسواس در دقت است، که کاملاً قابل درک می باشد. بهتر است برای فرد، بر این اصل تأکید کنید که بدون وجود محدودیت در پاسخها، ارائه یک تعبیر استاندارد، امکانپذیر نخواهد بود. در صورت وجود تردید، به

سوژه پیشنهاد کنید پاسخی را برگزیند که در میان بقیه، کمتر از آن بدش می آید. این روش مؤثری است که سوژه یعنی فرد را کمتر دچار تردید و سردرگمی می سازد.

اگر علی‌رغم همه این راهنماییها، باز سوژه در پاسخگویی به یک یا دو سؤال، مردد است، به او بگویید بدون پاسخ دادن به آنها، به سؤالهای بعدی بپردازد. هر آزمون، دارای پرسشهای فراوان و متنوعی است و سوژه، قطعاً در سؤالهای مشابه دیگر، پاسخهای مورد نظر خویش را خواهد یافت. کم شدن یک یا دو سؤال از مجموعه پرسشنامه، تأثیری بر ارائه یک تجزیه و تحلیل معتبر براساس پاسخهای به دست آمده نخواهد داشت.

متقابلاً، در شرایطی که فرد قادر به انتخاب یکی از دو پاسخ نیست، نباید به او اجازه داد که به یک سؤال، دو بار پاسخ دهد. چنین کاری، امتیازدادن را مشکل می سازد.

«هر تست، می تواند برای چندین سوژه (فرد) مورد استفاده قرار گیرد».

احتمالاً، شما دوست دارید افراد متعددی به پرسشنامه‌های این کتاب پاسخ بدهند، در حالی که مربعهای توخالی برای نوشتن پاسخ یا علامت‌زدن برای یک فرد در نظر گرفته شده است. برای رفع این مشکل، می توانید از مربعهای داخل کتاب استفاده نکنید، بلکه آنها را روی کاغذی کپی کنید و در اختیار افراد قرار دهید، یا از سوژه بخواهید پاسخ خود را با ذکر شماره سؤال، روی کاغذ یادداشت کند.

حتماً، مراقب باشید که اسم سوژه، نام پرسشنامه و تاریخ پاسخگویی به آن، روی هر برگ نوشته شده باشد. با در نظر گرفتن پاسخهای سوژه، می توانید روی همان برگ مشخص کنید که رفتارهای او، مربوط به چه گروهی است.

جدولهای تجزیه و تحلیل را هم می توانید روی کاغذی کپی کنید و سپس در آن، امتیازهای سوژه را محاسبه کرده و با مقیاسهای موجود در کتاب بسنجید.

تفسیر نتایج به دست آمده

پاسخهای فرد که در جدولها جمع آوری می شود، در ستونهای گوناگونی که نشاندهنده انواع رفتارهاست، دارای امتیازهای متنوعی خواهد بود. با مراجعه به بخش تفسیر و

ارزیابی نتایج، می‌توانید نوع رفتار فرد را در هر یک از زمینه‌ها کشف کنید.

روش دیگر: می‌توانید در حاشیه یا زیر جدول‌های تجزیه و تحلیل نتایج، مشخص کنید که در پاسخهای فرد، کدام شیوه رفتاری غالب است. گاهی اوقات، فرد، گرایش آشکاری به یک روش خاص ندارد، بلکه گرایشهای متفاوتی در رفتار او مشهود است. در چنین شرایطی، باید همه موارد را یادداشت کرده و برای تعبیر روشهای گوناگون، به بخش تفسیر نتایج مراجعه کنید.

معمولاً، درک روشهای گوناگون، دشوارتر از روش گروههای خالص است. در چنین مواردی، از قضاوت‌های عجولانه خودداری کنید. اگر مدتی را به فکر کردن درباره مشکلات ناشی از واکنشهای تقریباً غیر قابل پیش‌بینی بگذرانید، متوجه خواهید شد که این مشکلات، در اغلب موارد، پاسخ‌دهنده را هم به خود مشغول می‌سازد و او، برای در پیش‌گرفتن یک رفتار معین نیز، دچار تردید است (آن هم در زمینه‌هایی که برای گروههای خالص، مشکلی به وجود نمی‌آورد).

جدولهای نتیجه‌گیری نهایی

در بررسی تستهای گوناگون، با انواع زیادی از جنبه‌های شخصیتی روبرو می‌شویم. بنابراین، هر تست به سؤالی خاص پاسخ می‌دهد که ممکن است در زندگی روزانه، و یا روابط شما با فرد پاسخ‌دهنده مطرح شود. برای جالبتر شدن کار، نباید در همین مقطع باقی بمانید، و به بررسی مقطعی جنبه‌های مختلف اکتفا کنید. برای راهنمایی بیشتر شما، در فصل آخر این کتاب، روش تجزیه و تحلیل کلی درباره نتایج کار آمده است. پس از جواب‌دادن به تستها، شاید پاسخ‌دهنده مایل باشد درباره مشکلات، و نقاط ضعف با شما گفتگو کند (اگر او را در مورد آن آگاه سازید) و شاید از این طریق، بهتر بتواند بر نقاط ضعف خود چیره شود.

به هر حال، باید به پاسخ‌دهنده تذکر دهید که این پرسشنامه، همواره حالت نسبی داشته و نتایج آن، هرگز قطعی و ثابت نیست. به عنوان مثال، حالتی نظیر خستگی یا آرامش، و به طور کلی خلق و خوی لحظه‌ای پاسخ‌دهنده، می‌تواند بر جوابهای او تأثیر

بگذارد. بنابراین، شما باید وضعیت و گرایشهای او را در زمینه قبول، یا خودداری از پاسخ دادن به برخی سؤاها، در نظر داشته باشید. همیشه در قضاوتهایتان درباره فطرت یا توانایی هوشی افرادی که به تستها پاسخ می دهند، جایی هم برای احتمالات بگذارید. تستهای قسمت اول کتاب، باید مثل بقیه آنها، توسط شخصی که شما می خواهید او را بهتر بشناسید پاسخ داده شود. برای رعایت دقت بیشتر در توضیحاتی که ارائه می شود، لازم است پاسخ دهنده نیز از هدف این پرسشنامه ها آگاهی داشته باشد. علاوه بر این، توضیحاتها به گونه ای ارائه شده که شخص پاسخگو را مستقیماً مورد خطاب قرار می دهد. بنابراین، بهتر است کتاب را در اختیار او نیز بگذارید.

ذهن مبتکر

در واکنش نسبت به جنبه اغراق‌آمیز و روشنفکرانه‌ای که تستهای روان‌شناسی قدیمی از آن برخوردار بود، تستهای جدید چندساله اخیر، در برگیرنده جنبه‌هایی نظیر خلاقیت و انعطاف‌پذیری است. البته، گفته ما به این معنا نیست که هوش، هیچ‌گونه نقشی در موفقیت افراد ندارد، ولی به هر حال، سهم هوش، در بهترین شرایط هم بیشتر از ۳۰ درصد نیست. متقابلاً، تستهای مربوط به جنبه منطقی انسانها (به صفحه ۵۱ مراجعه کنید) نیز نیاز به ابتکار دارد. البته، در آن قسمت، همه چیز شدیداً تحت کنترل منطق است، زیرا در تستهای مربوط به منطق، تنها باید پاسخ مناسب را یافت. بنابراین، خودجوش بودن و حالت بالفطره افراد، در آنها متوقف می‌شود.

برعکس، در آزمایشهایی که در این قسمت مطرح می‌کنیم، مسئله ابتکار، در مورد یک تصویر یا فکر ارائه شده، بدون هیچ‌گونه اجبار منطقی حضور دارد. ما به این‌گونه آزمایشهای تستی، «تحرک تخیلی» لقب داده‌ایم زیرا به نظر ما، واژه «خلاقیت»، که برخی آن را برای این تستها به کار می‌برند، خیلی بزرگ است. خلاقیت، یک عمل اسرارآمیز و کمیاب است که تمام عناصر شخصیت فرد را وارد عمل می‌سازد و نمی‌توان آن را به این شکل مورد آزمایش قرار داد.

آنچه در چنین تستهایی به دنبال آن هستیم، مشخص کردن مقدار توانایی شخص، برای ایجاد سریع تصاویر ذهنی، تغییر دادن، و خصوصاً تجدید آنهاست. به همین دلیل، ما از فرد می‌خواهیم چندین پاسخ را در یک موضوع بیابد. پاسخ خوب یا بد وجود